

## قسم نامه‌ها

بازخوانی ۱۳ دوره تحلیف به بهانه مراسم سوگند دیروز

مهرداد خدیر  
معاون سردبیر

هر چند مراسم «تحلیف» رئیس جمهوری آیینی تشریفاتی به نظر می‌رسد اما در اغلب ۱۳ دوره گذشته با سخنان یا اتفاقات قابل توجه همراه بوده که با مرور آنها می‌توان بر برخی نقاط برجسته درنگ کرد.

قبل از مسعود پزشکیان ۸ رئیس جمهوری مراسم تحلیف را به جا آورده بودند. از این ۸ نفر دوران سه تن نیمه‌تمام ماند. یکی به دو سال نرسیده برکنار شد، دیگری کمتر از دو ماه بعد ترور شد و آخرین آنها قبل از سومین سالگرد ریاست جمهوری در سانه سقوط بالگرد در شمال غربی ایران جان باخت. پنج رئیس جمهوری دیگر دو دوره ۴ ساله ریاست جمهوری را به پایان رساندند آیت‌الله خامنه‌ای در اواخر دوره دوم به رهبری جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. مرور آنچه در تحلیف ۸ رئیس جمهوری گذشته از این حیث اهمیت دارد که به بهانه آن می‌توان مواردی را بررسید که شاید در فرصت‌های دیگر میسر نباشد:

**دوره اول: ابوالحسن بنی‌صدر؛ زودتر و در حضور امام؛ اولین** رئیس جمهوری ایران زودتر و در حضور رهبر فقید انقلاب نیز سوگند یاد کرد. جالب اینکه روزنامه‌ها خبر مراسم تنفیذ را به عنوان «تحلیف» منتشر کرده بودند چرا که اصطلاح «تنفیذ» باب نبود و بعد از آنکه امام خمینی در متن حکم به کار برند رایج شد. چون رهبر فقید انقلاب در بیمارستان بستری بود مراسم در همان بیمارستان قلب برگزار شد؛ بیمارستانی که با پیروی از انقلاب از «ملکه‌نادر» به بیمارستان قلب مهدی‌رضایی تغییر نام داد و بعد از تابستان ۶۰ به بیمارستان قلب شهید رجایی تغییر یافت. حکم ریاست جمهوری بنی‌صدر را نیز امام در سربرگ بیمارستان قلب نوشت. در همین مراسم اولین رئیس جمهوری سوگند هم یاد کرد و گفت: «هر چند موقع تشکیل مجلس شورای ملی و در حضور آن مجلس قسم یاد خواهم کرد آن طوری که در قانون اساسی آمده اینک نیز در حضور امام به قرآن مجید سوگند یاد می‌کنم به قانون اساسی وفادار باشم و برای اعتلای ایران و بهبود وضع زندگی مردم با تمام قدرت بکوشم». نه تنها هنوز مجلس شورای ملی (که بعدتر به مجلس شورای اسلامی تغییر نام داد) هنوز تشکیل نشده بود که اعضای شورای نگهبان هم بعدتر تعیین شدند. از آن ۶ فقیه اولیه اکنون تنها آیت‌الله احمد جنتی در قید حیات است که در مراسم دیروز هم حاضر بود. آن فقهای اینان بودند: ربانی شیرازی، لطف‌الله صافی، مهدوی کنی، غلامرضا رضوانی، یوسف صادقی و احمد جنتی. ۳۱ تیر ۱۳۵۹ هم بعد از تشکیل مجلس، باز بنی‌صدر سوگند یاد کرد و این بار در فضای پرتنش انتشار نواز مرحومه حسن آیت‌علیه بنی‌صدر و در هنگامه بحث اعتبارنامه او رئیس جمهوری قسم یاد کرد. به موجب قانون اساسی تحلیف در کنار عالی‌ترین مقام قضایی صورت می‌پذیرد و آیت‌الله بهشتی دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در آن زمان عهده‌دار این مسئولیت بود و توجه‌ها بیشتر معطوف به این بود که در فضای اختلاف رئیس جمهوری و سران حزب جمهوری اسلامی که مجلس شورا را در کنترل داشتند چه کسی نخست‌وزیر خواهد شد.

**دوره دوم: محمدعلی رجایی؛ اکتفا به سوگند؛ ۱۲ مرداد ۱۳۶۰** و در قضایی‌پرلتهاپ به خاطر واقعه هفتم تیر و در پی عزل اولین رئیس جمهوری محمدعلی رجایی که تا پیش از آن نخست‌وزیر بود به‌عنوان دومین رئیس جمهوری در حضور آیت‌الله موسوی اردبیلی سوگند یاد کرد که سه بار از او با عنوان رئیس جمهوری محبوب یاد کرد و یک بار هم بسیار محبوب. رجایی نطق خاصی ایراد نکرد و به دنبال معرفی سریع نخست‌وزیر جدید بود که کسی نبود جز دوست قدیمی او محمدجواد باهنر.

**دوره سوم: آیت‌الله خامنه‌ای؛ جریان نه فرد؛ طی یک سال ایران** سومین رئیس جمهوری را هم به خود می‌دید که تا بنی‌نجات یافته از ترور و با یاد بهشتی و رجایی و باهنر فضای مراسم تحلیف را «هیجان‌انگیز» توصیف کرد و در بخشی از سخنان خود گفت: «ایا مردم به یک شخص به نام سیدعلی خامنه‌ای رأی دادند یا به یک جریان؟ واضح است که نه به شخص که به یک جریان رأی دادند. به یک روحانی مبارز و برای مبارزه.» **دوره چهارم: آیت‌الله خامنه‌ای؛ ابزار قسم؛ مراسم تحلیف سال ۶۴** تحت تأثیر فضای خاص نظر امام‌دیر بر ایفای مهندس موسوی به‌عنوان نخست‌وزیر برگزار شد. این در حالی بود که سران روحانی جناح راست و منتقدین دولت (مهدوی کنی، محمد یزدی، احمد جنتی و ناطق نوری) نزد رهبر فقید انقلاب رفته بودند تا بگویند رئیس‌جمهور از یک سو می‌خواهد نخست‌وزیر جدیدی معرفی کند و از جانب دیگر شنیده نظر شمار بر ادامه کار مهندس موسوی است و می‌خواهند بدانند این «حکم» شمس‌ت یا نه و گفته‌اند: «من روز قیامت جواب شرعی ندادم اما اگر شما دستور دهید حجت دارم.» آن‌گونه که ناطق نوری در خاطرات خود آورده امام می‌گوید: «من تغییر نخست‌وزیر را صلاح نمی‌دانم ولی حکم نمی‌دهم چون به‌عنوان یک شهروند نظر دارم.» حتی اضافه کردند: «انتخاب غیر ایشان [موسوی] را خیانت به اسلام می‌دانم.» در پی آن و ۱۸ مهر ۱۳۶۴ آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم تحلیف گفتند: «قانون اساسی ابزارهای لازم برای عمل به این سوگند را مشخص کرده است. در صورتی که رئیس‌جمهوری این ابزارها را در اختیار داشته باشد خواهد توانست به این سوگند عمل کند وگرنه حکم فقهی این سوگند روشن است.» از این منظر نطق رئیس‌جمهوری در سال ۶۴ با تمام مراسم تحلیف در قبل و بعد متفاوت بود چرا که آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو ابزار نارضایتی کرد و از جانب دیگر با معرفی مهندس موسوی به‌خواست امام تن داد خاصه اینکه بعد از آن نامه امام به ۱۳۵ نماینده مجلس هم منتشر شد که در آن نوشته بودند: «تغییر نخست‌وزیر را به صلاح نمی‌دانند.» با این حال ۱۳ نماینده مجلس شورای اسلامی رأی مخالف دادند و ۲۶ نفر هم متنوع و مجموعاً به ۹۹ نفر شهرت یافتند و به مخالفت با نظر امام منتهم شدند.

**دوره پنجم: هاشمی رفسنجانی در غیاب امام؛ ۲۶ مرداد ۱۳۶۸**

هاشمی رفسنجانی در مجلسی سوگند یاد کرد که ۹ سال رئیس آن بود و در حالی که امام خمینی درگذشته و آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری برگزیده شده بودند و جدای اینها با تغییر قانون اساسی و حذف نخست‌وزیر رئیس جمهوری رئیس دولت هم به حساب می‌آمد. نطق رئیس جمهوری جدید بیشتر رویکرد اقتصادی داشت و یک سال بعد از اتمام جنگ می‌گفت «نباید بگذاریم جنگ دیگری درگیرد و تلاش خود را به کار خواهیم بست تا کارخانه‌ها به راه افتند». ویژگی دیگر تحلیف او این بود که دو چهره شاخص جناح چپ - موسوی اردبیلی و موسوی خویننی - از قوه قضائیه کنار رفته و شورای عالی قضایی برچیده و ریاست آن مطابق قانون اساسی جدید به نمداد جناح راست - محمد یزدی - سپرده شده بود. ریاست مجلس اما در اختیار مهدی کروبی بود که نمداد جناح چپ بود.

**دوره ششم: هاشمی رفسنجانی؛ دست رد؛ ۱۳ مرداد ۱۳۷۲** هاشمی رفسنجانی دومین دوره خود را در حالی آغاز و سوگند یاد کرد که می‌پنداشت با حذف جناح چپ با این مجلس مشکلات کمتری خواهد داشت. در حالی که به عکس تصور او بر سر تعدیل اقتصادی با متحدان خود دچار مشکل شد کما اینکه به محسن نوربخش رأی اعتماد ندادند و عملاً سیاست تعدیل را تعطیل کردند. در واقع مجلسیان دست رد به سینه هاشمی زدند و او را در تعدیل همراهی نکردند.

**دوره هفتم: سیدمحمد خاتمی؛ در فضای دوم خرداد؛ ۱۳ مرداد ۱۳۷۶** سیدمحمد خاتمی به مجلسی رفت که رئیس آن را در دوم خرداد شکست داده بود اما فزادتهاپ برگزار بود. اونطق متفاوتی ایراد کرد و از نهادهای مدنی و تشکل‌های قانونی گفت و از مردم که حق بیان و پرسش و اعتراض دارند. او که ۵ سال قبل به خاطر همین باورها در جایگاه وزیر فرهنگ و ارشاد اد ۲۰ میلیون ایرانی در مجلس مطرح می‌کرد. خاتمی فاتح بی‌چون و چرا بود هر چند رئیس قوه قضاویه قضائیه کوشید با طرح بحث دادگاه قانون اساسی بایی را در مقابل مسئولیت اجرای قانون اساسی بگذشاید. دادگاه قانون اساسی اما در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و رئیس‌جمهور خاتمی هیئت پی‌گیری و اجرای قانون اساسی را تشکیل داد که البته قوه قضائیه به آن وقتی نمی‌بهاد چرا که معتقد بود مسئولیت رئیس‌جمهوری محدود به قوه اجرایی است.

**دوره هشتم؛ سیدمحمد خاتمی؛ پس از توقیف مطبوعات؛ ۱۷ مرداد ۱۳۸۰** رئیس جمهوری به مجلسی رفت که دبیرکل تشکل متنوع او - مهدی کروبی - رئیس آن بود و علی‌القاعده باید مشکلات کمتری را پیش روی می‌دید اما هر دو سال او را چیده بودند. بال دانشگاهی را با ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و بال مطبوعاتی را با توقیف‌های فله‌ای در ۴ اردیبهشت ۱۳۷۹. اصلاح‌طلبان دو قوه را در اختیار داشتند اما صدای آنها به گوش مردم نمی‌رسید چرا که صداوسیما در کنترل محافظه‌کاران بود و مصوبات مهم مجلس را هم شورای نگهبان وتومی کرد و خاتمی سنگینی باری به مراتب بیشتر را احساس می‌کرد. با این حال امیدوارانه سخن گفت و سوگند یاد کرد.

**دوره نهم؛ محمود احمدی‌نژاد؛ دموکراسی واقعی؛ ۱۵ مرداد ۱۳۸۴** نه هاشمی رفسنجانی یا مهدی کروبی با مصطفی‌عین و حتی محمدباقر قالیباف که محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان ششمین رئیس‌جمهوری ایران در مراسم تحلیف حاضر شد و در مجلسی سوگند یاد کرد که ریاست آن با غلامعلی حدادعابد بود. او که در پوست خود نمی‌گنجد انتخابات در ایران را نشانه «دموکراسی واقعی» توصیف کرد. اصلاح‌طلبان در شوک بودند چرا که خزانه پر و قدرت را اودستی به کسی داده بودند که به همه پشت پا زده بود و روزبه‌روز در تحمیل خواست‌های خود بیشتر کوشید. **دوره دهم؛ احمدی‌نژاد؛ در فضای اعتراضات؛ ۱۴ مرداد ۱۳۸۸** و در سالروز انقلاب مشروطه محمود احمدی‌نژاد با هلی‌کوپتر به بهارستان رفت چون شهر در تب اعتراضات بعد از انتخابات می‌سوخت. نتنها دو رئیس‌جمهور سابق که ناطق نوری هم در مراسم تحلیف حاضر نشد. دو رقیب انتخاباتی - میرحسین موسوی و مهدی کروبی - هم رفتند و خبر رسید هاله سحایی دختر عزت‌الله سحایی که در تجمع اعتراضی در بهارستان شرکت کرده بازداشت شده است. هم او که دو سال بعد در مراسم تشییع پدر در لولسان به شکل تأسف‌باری درگذشت و غم فقدان سحایی را دوچندان کرد.

**دوره یازدهم؛ حسن روحانی؛ اعتدال و عقلانیت؛ ۱۳ مرداد ۹۲** حسن روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهوری ایران سوگند یاد کرد. صحنه به‌یادمانندی اینکه وقتی از صندلی بر خاست تا پشت تریبون برود هاشمی رفسنجانی با دست کیس عباى او را صاف کرد. هاشمی حس پدردی را داشت که دامادی پسر را می‌دید چرا که به خود او مجال شرکت در انتخابات ر ن داده بودند. روحانی در نطق خود از اعتدال و عقلانیت گفت.

**دوره دوازدهم؛ حسن روحانی؛ در غیاب هاشمی رفسنجانی؛ ۱۴ مرداد ۱۳۹۶** حسن روحانی در حالی برای دومین بار سوگند ریاست جمهوری ادا کرد که هاشمی رفسنجانی از دنیا رفته و ابراهیم رئیسی را در رقابتی همه‌پرسی گونه کنار زده بود اما نگران رفتار دونالد ترامپ بود که می‌خواست توافق برجام را بر هم زند و چنین کرد و دولت دوم را به دردرس جدی انداخت.

**دوره سیزدهم؛ ابراهیم رئیسی؛ بعد ۴ سال؛** آرزوی ابراهیم رئیسی بعد از ۴ سال محقق شد و بعد از تجربه نامتمام ریاست قوه قضائیه. تحلیف او در فضای تازه سیاسی صورت گرفت که علی‌لازرجانی از آن با ترم جدید سیاسی (خالص‌سازی) یاد می‌کرد. دولت او هم مستعجل بود و با درگذشت ناگهانی به‌پایان نرسید تا مسعود پزشکیان به‌عنوان نهمین رئیس‌جمهوری دیروز سوگند یاد کند. در قواعد فقهی از این قسم قسم ذیل «بمبن عقد» یاد می‌کنند چون «تعهد و التزام به فعل یا ترک فعلی در آینده» است نه چون دو قسم دیگر: «بمبن مؤکد» به گذشته یا «بمبن مناشده» به قصد تحریک سؤال شونده. با این وصف دیروز مسعود پزشکیان خداوند را گواه قرار داد بر التزام بر انجام اموری در آینده. آینده‌ای که از امروز دهم مرداد ۱۴۰۳ شروع شده است...

## مانیفست پزشکيان

مهم‌ترین فرازهای سخنرانی رئیس‌جمهور در مراسم تحلیف چه بود؟

خواستند؟

▶ **باید به مردم ایران به زنان، به جوانان، به قومیت‌ها به‌عنوان فرصت‌های بی‌نظیر ملی بنگریم.**

▶ **من به پشتوانه مردم، با حمایت مقام معظم رهبری و با ایجاد اجماع میان همه ارکان و جناح‌های سیاسی کشور، قاطعانه و شرافتمندانه، از عزت و منافع ایران و حقوق ملت در صحنه بین‌المللی پاسداری خواهم کرد.**

▶ **آماده‌ایم برای مدیریت تنش با دولت‌هایی که هنوز شأن و جایگاه ایران را درک نکرده‌اند، گفت‌وگو کنیم. من عادی‌سازی روابط اقتصادی و تجاری ایران را با جهان، حق مسلم ایران می‌دانم و برای رفع تحریم‌های ظالمانه از پای نخواهم نشست.**

▶ **تأمین منافع ملی، پاسداری از امنیت مردم، توسعه اقتصادی کشورم، بهبود کیفیت زندگی مردم در چارچوب ۳ اصل عزت، حکمت و مصلحت، مهمترین اهداف سیاست خارجی دولت من خواهد بود.**

▶ **برای رسیدن به این اهداف، تعامل سازنده و متوازن با جهان و احقاق حقوق مردم سرلوحه کار دولت قرار خواهد گرفت.**

▶ **ما نوداگان سعدی، آرزوی جهانی را داریم که همه در گفتار و کردار باور داشته باشند که بنی‌آدم اعضای یکدیگرند.**

▶ **با مردم ایران باید با زبان احترام و تکریم صحبت کرد.** ایران همواره در سمت درست تاریخ و انسانیت ایستاده است و به همین راه که مبتنی بر عقاید و باورهای دینی و فرهنگی و تمدن ایرانی است، خواهیم ایستاد.

▶ **ما قدر دوستان روزهای سخت‌مان را خواهیم دانست.** با بازیگران نوظهور در جنوب جهان، روابط‌مان را تحکیم خواهیم کرد. برای دوستی و مودت با همسایگان شرقی و حوزه فرهنگی

## سوگند برای ایران

بررسی دشواری‌های رئیس‌جمهور برای اجرای قانون اساسی در گفت‌وگو با حسین بیات

باید یک واحد بازرسی ویژه در ریاست جمهوری برای نظارت دقیق بر اجرای قانون اساسی تشکیل شود. شورای نگهبان در پاسخ به استفسار ایشان می‌گوید: «شما امکان تشخیص واحد بازرسی برای تمهید بهتر اجرایی شدن مسئولیت اجرای قانون اساسی را ندارید.» این نظریه تفسیری به امضای دبیر وقت شورای نگهبان مرحوم آیت‌الله لطف‌الله صافی هم می‌رسد.»

این حقوقدان به تداوم اختلافات بر سر اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور تا سال ۱۳۹۱، اشاره می‌کند: «در این سال به دلیل اختلافاتی که میان رئیس‌جمهور وقت یعنی محمود احمدی‌نژاد و رئیس وقت قوه قضائیه یعنی صادق آملی‌لاریجانی وجود داشت شورای نگهبان بار دیگر اقدام به صدور نظریه تفسیری می‌کند؛ این نظریه اعلام می‌کند که «یک، مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی آن است که مقصود از مسئولیت اجرا در اصل ۱۱۳ قانون اساسی امری غیر از نظرات بر اجرای قانون اساسی است. بند دو، مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی، تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را بر عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای محول نموده است. بند سه، در مواردی که به موجب قانون اساسی رئیس‌جمهور حق نظارت و مسئولیت اجراء ندارد، حق ایجاد هیچ‌گونه تشکیلاتی را هم ندارد.» این نظریه تفسیری هم به امضای احمدجنتی رسیده است.»

او تأکید می‌کند که براساس نظریه تفسیری اخیر، رئیس‌جمهور دیگر مسئولیت اجرای قانون اساسی ندارد و اگر قرار است مسئولیتی در این حوزه داشته باشد ناظر است بر قوه مجریه: «این نظریه تفسیری از منظر تفسیر مدرن حقوقی و هرمنوتیکی محل اشکال است زیرا همه مسئولان جمهوری اسلامی مکلف هستند که قانون اساسی را اجرا و بر واحدها و تشکیلات زیرمجموعه خود از حیث اجرای قانون اساسی نظارت کنند. بنابراین محدود کردن مسئولیت رئیس‌جمهور در حوزه اجرای قانون اساسی به مسئولیت او برای اجرای قانون اساسی در قوه مجریه با روح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در تعارض است.» عضو هیئت مدیره انجمن علمی حقوق اساسی ایران علت واگذاری مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس‌جمهور را این موضوع می‌داند که او عالی‌ترین مقام رسمی کشور و منتخب مستقیم ملت است. بنابراین بپراه نبوده که مسئولیت اجرای قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و حتی پس از اصلاحات سال ۱۳۶۵ بر عهده رئیس‌جمهور نهاده شده است.

▶ **تفسیر شورای نگهبان به منزله متن قانون اساسی**

این وکیل دادگستری درباره جایگاه نظریات تفسیری مذکور در سلسله‌مراتب حقوقی می‌گوید: «به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی تفسیر این قانون بر عهده شورای نگهبان است و این تفسیر به منزله متن قانون